

تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر روند شکل‌گیری گروه مقاومت اسلامی حماس (از آغاز شکل‌گیری تا سال ۱۳۸۹)

سعید قربانی *

حسین مسعودنیا **

اسماعیل عارفی ***

دریافت مقاله: ۹۶/۷/۲۶

پذیرش نهایی: ۹۶/۴/۱۴

چکیده

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در فرآیند شکل‌گیری گروه‌های اسلامی دارای رویکرد مستقیم و غیرمستقیم بوده است. بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و حاکم شدن جمهوری اسلامی، گفتمان‌های مختلفی بر کشور حاکم گردید، در گفتمان‌های مختلف حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، میزان تأثیرگذاری با توجه به سیاست‌های داخلی و خارجی در پیش‌گرفته شده توسط آنها متفاوت بوده است. این پژوهش در پی این است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، روند تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران را بر گروه مقاومت اسلامی حماس از زمان شکل‌گیری تا سال ۱۳۸۹ مورد جستجو قرار دهد. سؤال پژوهشی این است که: "تأثیر گفتمان‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری جنبش مقاومت اسلامی حماس به چه شکلی بوده است؟" یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که در دوره‌های گفتمانی، جمهوری اسلامی ایران، شیوه‌ها و نگاه‌ها در رابطه با مقاومت اسلامی فلسطین، الگوهای مختلفی را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها: صدور انقلاب، مقاومت اسلامی فلسطین، حماس انقلاب اسلامی، جمهوری

اسلامی ایران.

مقدمه

پدیده صدور انقلاب یکی از پیامدهای هر انقلاب بزرگ تاریخ معاصر بوده و در انقلاب اسلامی ایران نیز آشکاری یافته است. از آنجاکه انقلاب اولین بار از ذهن بشر تراوش می‌کند، می‌توان صدور انقلاب را در مرحله نخست فکری دانست که به مردم دیگر جوامع بشری عرضه می‌شود؛ اما انقلاب به ذهن محدود نمی‌شود، بلکه برای رسیدن به اهداف خود ناگزیر از ظهور در صحنه اجتماع و تغییر و تحول وضع موجود است و این مهمترین وظیفه هر فرد انقلابی است که در این مرحله از چه شیوه و ابزاری برای دستیابی سریعتر و کم‌هزینه‌تر به اهداف و آرمانهای انقلاب استفاده کند (نوزانی، ۱۳۸۸: ۴۶۰).

هر نظام انقلابی در درون خود آرمانها و خواسته‌هایی عالی دارد که برخاسته از نظریات رهبری انقلاب و یا انگیزه‌های ذاتی انقلاب است. انقلاب اسلامی ایران نیز پس از پیروزی به دنبال کسب خواسته‌های آرمانی خود بود و اصل صدور انقلاب را در راستای توسعه و گسترش اهداف انقلاب به خارج مرزها در پیش گرفت؛ بدون اینکه به نظام حاکم بر روابط بین‌الملل توجهی داشته باشد (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۵۱). فرایندهای سیاست خارجی ایران همواره با نشانه‌هایی از تغییر و دگرگونی همراه بوده است. در مجموع، کشورهایی که از پویاییهای امنیتی برخوردارند، خواهند توانست گفتمانهای سیاست خارجی خود را متحول سازند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، بیش از سه دهه گذشته است؛ در این دوران می‌توان نشانه‌هایی از تحول، تغییر و دگرگونی در قالبهای گفتمانی سیاست خارجی ایران را ملاحظه کرد (متقی، ۱۳۸۵: ۳۲).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان شد. این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. از جمله گروه‌هایی که به صورت مستقیم تحت تأثیر انقلاب اسلامی شکل گرفت، گروه مقاومت اسلامی در فلسطین است. گروه مقاومت اسلامی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شاخه‌ای از اخوان المسلمین بود و در حال حاضر نیز این اصول را قبول دارد و نسبت به آنها متعهد است. در این موقع گروه‌های مختلف یا به سمت غرب گرایش پیدا می‌کردند یا به سمت شرق، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی ثابت شد که اسلام بهترین عامل هویت‌ساز و ایجاد ایدئولوژی مقتدر برای گروه‌های اسلامی است که در نتیجه با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی مقاومت اسلامی حماس فلسطین شکل گرفت و با

ایدئولوژی اسلامی به مبارزه علیه اسرائیل پرداخت.

در این پژوهش، نویسنده درصدد است که تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در روند شکل‌گیری گروه مقاومت اسلامی حماس را در گفتمانهای مختلف مورد بررسی قرار دهد تا نشان دهد که میزان تأثیر جمهوری اسلامی ایران در روند شکل‌گیری حماس در این گفتمانها به چه شکلی بوده است.

۱. معنا و مفهوم صدور انقلاب

صدور انقلاب، سعی انقلابیون برای تبدیل پیامها و رسالت بالقوه انقلاب به حالت بالفعل است؛ یعنی انقلابیون می‌خواهند روح کلی مضمونهای انقلاب را، که در حال حاضر در کشورشان تجسم یافته است به حرکت درآورند و پیامها و اهداف خود را در دیگر کشورها علنی کنند (خلیلی و حمیدی، ۱۳۹۰: ۹۳). امام خمینی (ره) در رابطه با معنای صدور انقلاب می‌فرماید:

«معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد» (امام خمینی، ج ۱۳: ۲۰۲).

انقلابیون، انقلاب را مانند موجودی زنده می‌دانند که آفریده شده و رشد یافته و سپس وارد محیط جدیدی شده است و با استفاده از منابع محیط‌های دیگر، حفظ می‌شود و بقا می‌یابد. انقلابیون معتقدند که محصور ماندن انقلاب، نه تنها مانع رشد آن می‌شود، بلکه به علت کمبود منابع، سبب استحاله و فرو ریختن انقلاب می‌گردد. انقلابیون به امید بقای انقلاب، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار می‌دهند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۲۶).

۲. شکل‌گیری گفتمان سیاسی حماس با رویکردی بر نظریه دکمچیان

پس از درهم شکستن قدرت امپراتوری عثمانی، که عنوان اسلامی را اساس مشروعیت سیاسی خود ساخته بود، جوانان، روشنفکران، رهبران قبیله‌ای و قومی عرب نوید عصر جدیدی از حکومت متحد و مستقل عربی را دادند؛ اما این خوش‌بینی مدت زیادی به طول نینجامید و سلطه قدرتهای غربی بر سرزمینهای عرب پس از جنگ اول، و آن‌گاه تقسیم آن به کشورهای کوچک و بزرگ مختلف، یأس و ناامیدی را در میان اعراب حاکم کرد؛ این روند هنگامی به اوج خود رسید که

گروه کوچکی از یهودیان ساکن فلسطین به کمک امپریالیسم غرب، توانستند سرزمین آبا و اجدادی فلسطینی‌ها را به تصرف در آورند و رژیم اشغالگر قدس را در ۱۹۴۸ شکل دهند. در برابر این اشغال دو محور مطرح شد: ۱. عبدالناصر و گسترش نهضت او به دیگر نقاط جهان عرب از یک سو ۲. ظهور سوسیالیسم عربی تحت رهبری حزب بعث از سوی دیگر، بار دیگر این شور و اشتیاق را در میان جوانان عرب به وجود آورد که می‌توان با توسل بدین حرکت فکری و سیاسی جدید بر مشکلات موجود فائق آمد و با دست یازی به وحدت عربی و سوسیالیسم بعثی - ناصری، راه غلبه بر صهیونیسم و برپایی نظام عادلانه اقتصادی - سیاسی عاری از استثمار و دیکتاتوری در جهان عرب را هموار ساخت؛ اما این شور و اشتیاق چندان دوام نیاورد. شکست ۱۹۶۷ اعراب از رژیم صهیونیستی و مرگ ناصر در ۱۹۷۰، زمینه زوال سریعتر تفکرات پان عربیستی و تلاشی جدید برای ایدئولوژی جانشین را فراهم کرد. در واقع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ سیر نشیب و فراز ایدئولوژیکی عرب دور کامل خود را طی کرده بود. متفکران و سیاستمداران عربی در عرض سه ربع قرن گذشته انواع ایدئولوژیهای بومی و غربی را در نظامهای سیاسی را آزمایش کرده و نتایج ناخوشایندی گرفته بودند (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۴۶). شکاف روز افزون میان کشورهای عربی و گسترش مشاجرات میان آنها بر سر مسائل ارضی و منافع گروهی، و علاوه بر آن ایجاد فاصله طبقاتی عظیم میان اقشار جامعه بر اثر سیاستهای اقتصادی دولتهای عرب و نیز ادامه سیاست سرکوب و فشار و اعمال دیکتاتوری علیه آزادیخواهان، بار دیگر باعث سرخوردگی جوانان و روشنفکران عرب شد (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) به عنوان عالم و مرجع روحانی و دینی، جنبه سیاسی و عملی یافته است. مبارزات فلسطین، که تاکنون دو بعد سیاسی و نظامی داشت و با اندیشه ناسیونالیستی همراه بود، اکنون دارای بعد اعتقادی با وجهه اسلامی گردیده است. پیروزی انقلاب اسلامی، اعتماد به ایدئولوژی و دین را به مسلمانان سراسر جهان بازگرداند و جوشش و خروشی تحت عنوان انتفاضه را برای گروههای جهادی در فلسطین در پی داشت. با حرکت مردمی انتفاضه در فلسطین حتی آنان که هنوز تحت تأثیر ناسیونالیسم عربی هستند به اسلام به چشم منبع انرژی و وسیله اتحاد میان همه اعراب برای نجات فلسطین می‌نگرند و برخی هم صادقانه به بازنگری در اندیشه‌های خویش پرداخته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۲۳۰).

با آغاز دهه ۱۹۸۰ به طور کاملاً محسوسی، گرایشهای اسلامی در فلسطین رو به رشد گذاشت.

جنبش اسلامی فلسطین معتقد است که سازمان آزادیبخش فلسطین نیروی محرکه خود را برای مبارزه با صهیونیسم و آزادی تمام فلسطین از دست داده است و سرخوردگی مردم و بویژه قشر جوان فلسطینی از جنبش‌های ناسیونالیستی و چپ‌گرا، فشارهای غیرقابل تحمل از جانب رژیم صهیونیستی و هم‌چنین عدم اطمینان آنها به رژیم‌های عرب در حمایت از قضیه فلسطین، باعث گرایش شدید مردم فلسطین به سوی جنبش انقلابی - اسلامی در فلسطین شده است (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۸). از این دیدگاه، خیزشها و جنبش‌های اسلامی در کشورهای مسلمان بسرعت جای نهضت‌های مارکسیستی، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را گرفت و به عنوان تنها راه نجات ملتها از سلطه امپریالیزم، مقبولیت عمومی پیدا کرد. پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم، که امواج زیادی در جهان اسلام ایجاد کرده بود. با پیروزی انقلاب ایران بر پایه ارزشهای اسلامی، رنگ باخت و در واقع به پایان راه خود رسید (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۶). نتیجه مطالعاتی نشان می‌دهد که در نتیجه عدم کارایی ایدئولوژیهای ناسیونالیستی و سوسیالیستی، فلسطینی‌ها بیشترین اقبال را به احیا و تقویت هویت اسلامی خود نشان داده، و گروه‌های مقاوم نیز در مبارزه خود علیه دشمن اشغالگر موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به دستاوردهای انتفاضه اول، انتفاضه مسجدالاقصی و مقاومت گروه‌های حماس و جهاد اسلامی در جنگ ۲۲ روزه و هم‌چنین حمایت دنیای اسلام از آنها اشاره کرد (غفاری، ۱۳۹۱: ۴۷).

در این پژوهش تلاش نویسنده این است که با استفاده از مبانی نظریه دکمجان نشان دهد که جنبش‌های فلسطین در آغاز با استفاده از رویکردهای لیبرالیستی و یا کمونیستی به مبارزه با اسرائیل غاصب می‌پرداختند؛ ولی با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، و تأسیس حکومتی بر پایه دین، نگاه جنبش‌ها به راه‌های مبارزه عوض شد و آنها به اسلام و مبانی اسلامی روی آوردند تا با استفاده از مبانی اسلامی، که حاصل آن پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس دست بزنند. از این زاویه بود که جنبش‌های اسلامی در فلسطین تحت تأثیر انقلاب اسلامی نظیر، جهاد اسلامی و مقاومت اسلامی شکل گرفت. هم‌چنین به این موضوع اشاره خواهد شد که در ادوار گفتمانی جمهوری اسلامی ایران، اثرگذاری نظام اسلامی بر جنبش مقاومت اسلامی به چه شکلی بوده است.

۳. شکل‌گیری مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

«حماس» نام مختصر «جنبش مقاومت اسلامی فلسطین»، جنبشی مردمی است که در پی ایجاد شرایط لازم به‌منظور آزادی این کشور از ظلم و تجاوزگری صهیونیست‌ها و حامیان آنهاست. این جنبش انقلابی، که از حمایت توده‌های مردم برخوردار است بر این باور است که تا آزادی فلسطین از نهر تا بحر به مبارزات خود ادامه می‌دهد. شعار این جنبش در قالب لوگوی آن ترسیم شده است بدین معنا که تصویر مسجدالاقصی به‌عنوان نقشه کوچک فلسطین تصور شده است که توسط دو علم محافظت می‌شود که در تصویر به شکل یک نصف قوس دیده می‌شود. حماس در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷، بیانیه تأسیس خود را منتشر کرد؛ اما جرقه‌های اولیه شکل‌گیری آن به دهه چهل قرن گذشته برمی‌گردد. این جنبش در امتداد جنبش اخوان المسلمین شکل گرفت و قبل از اعلام موجودیت، اخوان المسلمین برای بیان مواضع خود در برابر مسئله فلسطین اسمهای دیگری چون «جنبش پیکار اسلامی» و «حامیان سرزمین اسرا» و... را مطرح کرد. حوادث متعددی که در پی اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ و بویژه بعد از شکست ۱۹۶۷ روی داد، زمینه شکل‌گیری جنبش حماس را فراهم آورد (زارعان، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۵).

تأسیس جنبش حماس واکنش مستقیم به وقوع انتفاضه و پاسخ به سؤال درباره کیفیت تعامل و مشارکت در آن بوده است. ۹ دسامبر ۱۹۸۷ را تاریخ شکل‌گیری جنبش حماس ذکر می‌کنند که در آن تاریخ جلسه‌ای در منزل شیخ احمد یاسین تشکیل شد. بجز شیخ احمد یاسین شش تن از بزرگترین رهبران اخوان المسلمین در نوار غزه در این نشست شرکت کردند که عبارت بودند از: عبدالعزیز قطان ۴۰ ساله و پزشکی از اهالی خان یونس، ابراهیم الیازوری ۴۵ ساله و داروساز از اهالی غزه، شیخ صلاح شعاده ۴۰ ساله کارمند دانشگاه اسلامی غزه و از اهالی بیت حانون، عیسی النشار ۳۵ ساله از رفح، محمد شمع ۵۰ ساله و مدرس از اهالی اردوگاه الشاطی، عبدالفتاح خان ۵۰ ساله و مدیر مدرسه از اهالی اردوگاه النصیران. هدف این نشست بررسی چگونگی بهره‌برداری از حادثه‌ای بود که در ۸ دسامبر ۱۹۸۷ بر اثر برخورد یک خودروی رژیم صهیونیستی و چند خودروی فلسطینی اتفاق افتاد و طی آن گروهی از کارگران فلسطینی کشته شدند. در این نشست درباره چگونگی بهره‌گیری عملی از این حادثه برای تحریک احساسات دینی و ملی و به راه انداختن تظاهرات مردمی بحث شد. این نشست، جلسه تأسیس حماس و حاضران در آن مؤسسان حماس به‌شمار می‌آیند (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

حماس، که از اخوان المسلمین نشأت گرفته است در اواخر دسامبر ۱۹۸۷ و اوایل ژانویه ۱۹۸۸ شکل گرفت. پس از اینکه رژیم صهیونیستی، کرانه غربی و نوار غزه را اشغال کرد، اخوان المسلمین در این مناطق بویژه در غزه فعال شدند. فعالیت آنها بر دعوت و تبلیغ مسائل اجتماعی و تربیتی و به دور از مقابله سیاسی مستقیم و مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیستی متمرکز شده بود. آنان به این روش خود ادامه دادند و با شروع انتفاضه، فعالانه در آن شرکت کردند و نقش اساسی و برجسته‌ای در استمرار بخشیدن به جنبه اسلامی آن داشتند (پاشاپور یوالاری، ۱۳۸۱: ۹۰).

اخوان المسلمین فلسطین بعد از انشعاب گروه جهاد اسلامی هم چنان به روند سابق خود مبنی بر تأکید بر فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی تحت عنوان کادرسازی ادامه داد. هواداران اخوان المسلمین در ابتدا خواستار اجرای معتقدات اسلامی و سپس پرداختن به مسئله رهایی و مبارزه بودند. آنها معتقد بودند که نبرد برای رهایی فلسطین را باید زمانی شروع کرد که تغییر اساسی در سرزمین فلسطین به وجود آید. از ضروریات این حرکت این است که رستاخیز و بیداری اسلامی و بازگشت به هویت اسلامی سراسر منطقه را فراگرفته باشد؛ آن‌گاه می‌توان مردم را بر ضد رژیم صهیونیستی به جهاد دعوت کرد؛ چراکه فلسطینیان به تنهایی توانایی آزادسازی فلسطین را ندارند و این مشابه همان استدلالی است که افراد بلندپایه حماس امروز بر آن پای می‌فروشند و عدم ورود به مبارزه را طی این مهر و مومها تحت عنوان کادرسازی عنوان می‌کنند (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۵۲). حماس، جنبش مقاومت مردمی فلسطین است و رویکردی جهادی دارد. عقاید حماس دینی است و مبانی اسلامی را اصلی ثابت برای هرگونه مبارزه علیه دشمن صهیونیستی می‌داند. این جنبش، آزادسازی تمامی سرزمین فلسطین و رهایی قدس شریف را هدف مبارزه و جهاد خویش اعلام کرد (پورقیومی، ۱۳۸۸: ۹۹). جنبش حماس، مبارزات مسلحانه را تنها راه نابودی کامل رژیم صهیونیستی و آزادی خاک فلسطین می‌داند؛ بازگشت بی‌قید و شرط آوارگان به خانه و کاشانه خویش، برخورداری از حق تعیین سرنوشت و تشکیل حکومتی اسلامی (حماس، ۱۳۸۸: ۹).

منشور حماس، که در سال اول انتفاضه منتشر شد، افکار این جنبش را بخوبی نشان می‌دهد. طبق ماده ۲، حماس یکی از شاخه‌های اخوان المسلمین در فلسطین است. در ماده ۸ چنین آمده است:

«پیامبر، الگوی ما و قرآن، قانون اساسی ماست. جهاد و مرگ در راه خدا متعالی‌ترین اعتقاد

است» (حماس، ۱۳۸۸: ۱۰).

۳. ۱. انگیزه پیدایش

شکل‌گیری جنبش مقاومت اسلامی حماس نتیجه فعل و انفعال عوامل گوناگونی است که ملت فلسطین از فاجعه نخست سال ۱۹۴۸ به‌طور اعم و شکست سال ۱۹۶۷ به‌طور اخص به آن دچار شد؛ این عوامل از دو عامل بنیادین نشأت می‌گیرد که عبارت است از: تحولات سیاسی مسئله فلسطین و وضعیتی که تا پایان سال ۱۹۸۷ بدان رسیده بود و دیگری رشد بیداری اسلامی در فلسطین و وضعیتی که در نیمه‌های دهه هشتاد (میلادی) پدید آمده بود (غفاری و صادقیان، ۱۳۹۱: ۵۵).

۳. ۲. اندیشه مبارزاتی جنبش حماس

در اندیشه مبارزاتی این جنبش، نبرد با صهیونیست‌ها تنها نبرد با یک رژیم متجاوز نبود؛ بلکه در واقع مبارزه با استعمار نوینی است که در پی به یغما بردن منابع و ثروت جهان عرب و اسلام و گسترش سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فکری خود است. به اعتقاد این جنبش، بهترین راه مدیریت نبرد با رژیم صهیونیستی، بسیج تمام ظرفیتهای فلسطین و زنده نگه‌داشتن روحیه جهاد و مقاومت در برابر طرحهای سازش و جلوگیری از جدا شدن بخشهای بیشتر خاک این کشور تا به‌وجود آمدن اراده مبارزاتی و سیاسی در تمام جهان عرب و اسلام برای بیرون راندن صهیونیست‌ها است. جنبش حماس با درک اینکه رژیم صهیونیستی سعی دارد با رونق اقتصاد خود و وابسته کردن اقتصاد فلسطین و وادار کردن سران سازش به پذیرش این امر در پی محکم کردن جای پای خود در فلسطین است، همواره بر عدم قبول سازش با این رژیم تأکید ورزیده است. این جنبش در مشی مبارزاتی خود اعلام کرده است که افراد غیرنظامی را هدف قرار نمی‌دهد و تنها در صورتی که اقدامی چون حادثه کشتار حرم ابراهیمی رخ دهد به مقابله به مثل خواهد پرداخت. نکته دیگر اینکه این جنبش، معتقد است تنها در سرزمینهای اشغالی با صهیونیست‌ها روبه‌رو می‌شود و بارها از کشانده شدن دامنه نبرد به خارج از مرزهای سرزمین‌های اشغالی به صهیونیست‌ها هشدار داده است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۵۶ - ۶۰).

۳. ۳. موضعگیری در برابر سازش سیاسی

حماس با اعلام اینکه طرفدار و حامی صلح است، گفتگوهای سازش با رژیم صهیونیستی را از آن‌رو که ناعادلانه بود و در آن به کمترین حقوق ملت فلسطین توجه نشده، رد کرده است. در این دیدگاه، فلسطین سرزمین مقدسی است که غصب شده و از همین رو این جنبش طرح شولتز و توصیه‌های دهگانه مبارک و طرح شامیر و مسیر مادرید - واشنگتن را رد کرده است. به اعتقاد

حماس خطرناکترین طرح‌های سازش، توافقنامه غزه - اریحاست که در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۳۳ بین رژیم صهیونیستی و رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین به امضا رسید. این توافقنامه‌ها از این رو مشروعیت ندارد که از طرفی باعث به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی و عادی شدن روابط با آن شد و از طرفی افرادی در این گفتگوها حاضر می‌شوند که شایستگی نمایندگی از ملت فلسطین را ندارند (احمدیان، ۱۳۹۰: ۲۳ - ۳۰).

۳. ۴. حماس و روند انتفاضه

ماه دسامبر ۱۹۸۷، ماه ولادت انتفاضه فلسطین ثبت شده است. جنبش حماس در رهبری انتفاضه و تشدید آن نقش برجسته ایفا کرد. در واقع انتفاضه، عرصه عملی سیاسی است که بیانگر مخالفت با اشغالگران و مقاومت مدنی علیه آن است. انتفاضه در جلب افکار عمومی جهان نسبت به ستمکاریهای اشغالگران صهیونیست و گرفتاریهای ملت فلسطین در زیر سایه اشغالگری نقش زیادی داشته است. هم‌چنین انتفاضه مسئله فلسطین را که می‌رفت در اذهان عمومی به فراموشی سپرده شود زنده کرد تا آنجا که انتفاضه به موضوعی دائمی در رسانه‌های گروهی جهان عرب و جهان تبدیل شد. این حرکت، حمایت بین‌المللی را حول مسئله فلسطین متمرکز کرد و جایگاه دولت صهیونیستی را در جهان به لرزه درآورد (ایاد برغوثی، ۱۳۸۲: ۲۱۱). جنبش حماس از آغاز انتفاضه (۱۹۸۷/۱۲/۹) همواره روی ادامه و فعال کردن آن به عنوان یکی از هدفهای پافشاری می‌کند. حماس انتفاضه فلسطین را از زنجیره جهاد علیه موجودیت صهیونیستی و یکی از نمادهای نفی اشغالگری و سلطه و ستم می‌داند (ایاد برغوثی، ۱۳۸۲: ۷۰). در این رابطه شیخ احمد یاسین تأکید می‌کند که جنبش حماس مسئول برانگیختن انتفاضه است و هرگز در نیمه راه خود را کنار نخواهد کشید؛ حتی اگر دیگر گروه‌ها و گرایشهای سیاسی خود را کنار بکشند (ابوعمر، ۱۳۷۲: ۱۳۷). جنبش حماس، که ابتدا بر اساس فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی تأسیس شده بود، پس از گذشت چند سال، اقدامات نظامی را به منظور دستیابی به اهداف خود، ضروری دانست. حماس، جهاد را تنها راه‌حل مسئله فلسطین و خارج ساختن فلسطین از کنترل رژیم صهیونیستی را وظیفه دینی تمامی مسلمانان می‌داند (نادری، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

۴. حماس و انقلاب اسلامی ایران

قبل از بررسی تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر روند شکل‌گیری حماس به چند اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید پرداخته شود که بر اساس این اصول، جمهوری اسلامی خود را

به حمایت و دفاع از جنبش‌های اسلامی بویژه در فلسطین مقید می‌داند که به این شرح است:

الف) قاعده نفی سبیل کافران بر مسلمین

بر اساس این قاعده، خداوند راه تسلط کافران را بر مسلمین بسته است. برقراری هرگونه رابطه و انجام دادن هر عملی که به برتری کافر بر مسلمان منجر باشد حرام است و هر قرارداد سیاسی و اقتصادی که زمینه‌ساز تسلط کافران بر مسلمین شود بر اساس قاعده نفی سبیل، باطل است. در نتیجه، نفی سبیل به معنای بستن راه تسلط غیر مسلمان بر مسلمان است (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۶۰).

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء / ۱۴۱): «متافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند مگر ما با شما نبودیم (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!)» (و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم (پس با شما شریک خواهیم بود!)). خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

ب) پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش

یکی دیگر از سیاست‌های جمهوری اسلامی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قید شده است، پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش بویژه نهضت‌های اسلامی است تا امکان تحقق اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی را در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی فراهم کند (فریدون و شهبازی، ۱۳۹۱: ۶۰). پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، این‌گونه حرکتها، بویژه با ماهیت دینی یا اصلاً نبود یا فعالیتشان چشمگیر نبود ضمن اینکه این جنبش‌ها عملاً از پشتیبانی دولتها و سازمانهای بین‌المللی برخوردار نبودند و اگر هم قدرتهای بزرگ از این حرکتها پشتیبانی می‌کردند، صرفاً در جهت منافع آن قدرتها بود؛ اما پس از انقلاب اسلامی ایران، دولت جمهوری اسلامی تلاش کرد از آنها پشتیبانی کند و رابطه‌ای جدی با آنها برقرار سازد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۹).

ج) تشکیل امت واحد جهانی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر لزوم تشکیل امت واحد جهانی بر مبنای اتحاد و ائتلاف

دنیای اسلام، بلکه جهان بشریت از طریق مبارزه مستمر برای نجات ملل محروم و مستضعف در تمامی جهان تأکید کرده است (نادری، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

رژیم محمدرضا پهلوی، که دوست و حامی امریکا و ژاندارم او در منطقه بود، همواره از رژیم اشغالگر قدس حمایت جدی می‌کرد و نه تنها از جنبش‌های آزادیبخش، که جبهه آزادیبخش فلسطین در رأس آنها بود، حمایت نمی‌کرد، بلکه گاهی آنها را تحت فشار قرار می‌داد و با آنها دشمنی می‌ورزید. با پیروزی انقلاب اسلامی، وضعیت کاملاً تغییر کرد و بر اساس اصل حمایت از مظلومان جهان در سیاست خارجی دولت انقلابی ایران، مستضعفان جهان، بویژه مردم فلسطین از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران برخوردار شدند (صدقی، ۱۳۸۶: ۱۳۲ و ۳). طی این حمایتها و مبادلات بین ایران و گروه‌های فلسطینی بخصوص در رأس آنها اخوان المسلمین بود که زمینه شکل‌گیری گروه مقاومت اسلامی در فلسطین فراهم شد. دلیل تأسیس حماس، که دارای گرایشهای عمیق اسلامی است، شکست الگوهای چپ غیر مذهبی در بسیج اجتماعی و مبارزه چریکی علیه رژیم صهیونیستی بویژه در مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷، هم‌چنین افول وجهه ناسیونالیستی فتح و تشدید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اشغالگر قدس در اراضی اشغالی بود (مهریان، ۱۳۸۶: ۱۱۵). طی فرایندی با پیروزی انقلاب اسلامی زمینه الگوگیری گروه‌های فلسطینی فراهم شد. از جمله گروه‌های جهادی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی در فلسطین شکل گرفت، گروه مقاومت اسلامی ملقب به حماس است. زمینه الگوگیری حماس از انقلاب اسلامی، شکل‌گیری انتفاضه و استفاده از این رویکرد برای مهار رژیم صهیونیستی بود. حماس با الگوگیری از انقلاب اسلامی، انتفاضه را در کشور فلسطین سازماندهی کرد تا با استفاده از آن زمینه آزادسازی فلسطین و قدس شریف را فراهم کند.

اسامه ابوحمدان، نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در لبنان، انتفاضه مردمی فلسطین را یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در ایران می‌داند و در این باره می‌گوید:

«با پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین خواسته مسلمانان در قرن بیستم تحقق یافت. مسلمانان جهان، انقلاب اسلامی را الگو و سرمشق خود می‌دانند و باور دارند که نظام اسلامی در تمامی دورانها قادر است حکومت تشکیل دهد. انقلاب اسلامی مایه مباهات و افتخار ملت فلسطین است. مردم مسلمان ایران، که قدرتمندترین پایگاه استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی را در منطقه فروریختند، ملت فلسطین را به گرفتن حقوق از دست‌رفته خود امیدوار ساختند (سالار، ۱۳۸۲:

«(۲۸)

اعلام آخرین روز ماه مبارک رمضان توسط امام خمینی به عنوان روز قدس یکی از تاریخی ترین حمایتها و اثرگذاری انقلاب اسلامی بر روند فلسطین بود که امام خمینی با درخواست کمک و پشتیبانی مسلمانان از مظلومان فلسطینی فرمودند:

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

عبدالعزیز رنتیسی سخنگوی فلسطینیان تبعیدشده به جنوب لبنان درباره تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر مردم فلسطین می گوید:

نظر ما این است که انقلاب اسلامی ایران در کشورهای عربی و اسلامی تأثیر مثبتی داشته و مردم این کشورها را بیدار کرده است و به اعتقاد من این بیداری موجب نوعی خیزش به دلیل تأثیر از انقلاب اسلامی بود (کدیور، ۱۳۷۲: ۲۰۵).

جمهوری اسلامی ایران به دلیل پایبندی به اصولی که مطرح شد، حامی جنبش مقاومت اسلامی است؛ به عبارتی مقاومت اسلامی به دلیل اینکه یکی از جنبشهایی است که از کشورش در برابر تجاوزگر دفاع می کند و نمی گذارد که کافر بر جامعه اسلامی مسلط شود، جمهوری اسلامی به حمایت از آن می پردازد. اصل دیگری که جمهوری اسلامی را به حمایت و پشتیبانی از مقاومت اسلامی مصمم می کند، حمایت از گروههای آزادیبخش است. حالا ممکن این گروهها مسلمان باشند و یا نباشند؛ چون در برابر ظلم دست به دفاع برداشته اند، مورد حمایت قرار می گیرند و جنبش اسلامی حماس نیز به دلیل اینکه در پی آرمان بزرگی چون آزادی فلسطین از چنگال رژیم منحوس صهیونیستی است، مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران است. دلیل دیگر حمایت جمهوری اسلامی ایران از مقاومت اسلامی حماس به خاطر هدف والاتری است و آن، تشکیل امت

واحد اسلامی است. وجود غده سرطانی چون رژیم اشغالگر قدس یکی از مهمترین موانع است و استقامت فلسطین در برابر این جرثومه فساد یکی از راه‌های پس‌زنی آن است و به همین دلیل مقاومت اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران است.

۵. تأثیر گفتمان دولتهای جمهوری اسلامی ایران بر حماس

تأثیر دولتهای مختلف در جمهوری اسلامی ایران بر روند شکل‌گیری گروه مقاومت اسلامی حماس از آغاز شکل‌گیری تا ۱۳۹۲ به این شکل است:

۱. گفتمان سازندگی و تأثیر آن بر حماس

در گفتمان سازندگی، سیاست خارجی در جهت تعامل اقتصادی با دیگر کشورها واقع‌گراتر شد. نمونه بدیهی این جهت‌گیری سیاسی، در پیش گرفتن وضعیت بیطرفی ایران در جریان حمله عراق به کویت بود. این جهت‌گیری موجب شروع روابط جدید ایران با اردن، تونس و عربستان سعودی شد؛ ولی با این حال کشورهای منطقه قراردادهای دفاعی دوطرفه اریحا - غزه در سال ۱۹۹۳ امضا کردند و این وضعیت در جهت به چالش کشیدن قدرت منطقه‌ای ایران بود. با این حال، در این دوره ایران به دلیل ضرورت نوسازی ویرانیهای باقیمانده از جنگ، مجبور به کنار گذاشتن سیاست رویارویی جویانه شد؛ اما هم‌چنان به دلایل بسیاری، سیاست آرمان محور را دنبال کرد (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۸۵).

اصول سیاست خارجی ایران در دوره توسعه‌گرایی اقتصادمحور به این شرح است:

(۱) در دستور کار قرار گرفتن عادی‌سازی روابط با دیگر کشورهای جهان

(۲) برقراری ارتباط با دیگر کشورها به دلیل ملزومات اقتصاد داخلی و سازندگی

(۳) عضویت فعال در سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی

(۴) انعطاف‌پذیری و جهت‌گیریهای مصلحت‌گرایانه به منظور خروج ایران از انزوای سیاسی

تحمیل شده ناشی از جنگ عراق علیه ایران

(۵) تأکید بر صدور انقلاب از طریق پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور تا بدین ترتیب انقلاب با

الگو شدن بر سایر محرومان صادر شود (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۲).

با توجه به این اصول است که باید سیاست خارجی ایران اسلامی در گفتمان سازندگی در برابر

گروه‌های جهادی از جمله گروه جهادی مقاومت اسلامی (حماس) مورد بررسی قرار گیرد؛ یعنی

سیاستی که دولت رفسنجانی در برابر گروه جهادی حماس اتخاذ می‌کند برگرفته از این اصول

پایه‌ای است. در این گفتمان هم مثل گفتمانهای دیگر از گروه‌های جهادی در فلسطین از جمله حماس حمایت می‌شود؛ ولی در این گفتمان بیشتر روش الگوسازی مطرح است تا روش درگیری و کمک نظامی.

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود با الهام از منویات امام خمینی و اصول قانون اساسی، خود را به حمایت از مبارزات گروه‌های فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی ملزم و متعهد می‌داند. بر این اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر مسئله فلسطین دارای چند محور اصلی است که عبارت است از:

الف) عدم شناسایی موجودیت رژیم اشغالگر قدس

جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان دولت مورد شناسایی قرار نداده و معتقد است که این رژیم با حمایت بریتانیا و در ادامه با حمایت امریکا، سرزمین فلسطین را از دست مسلمانان خارج ساخته و از این طریق اعلام موجودیت کرده است. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی نامشروع و جعلی است و رژیم غاصب صهیونیستی باید نابود شود. در این راستا وزیر خارجه چنین اظهار می‌کند: «نابودی رژیم صهیونیستی و آزادی فلسطین از اهداف راهبردی ایران است» (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

ب) مخالفت با قراردادهای سازش

از دید جمهوری اسلامی ایران، هرگونه اقدامی برای برقراری صلح عربها و رژیم صهیونیستی پذیرفتنی نیست و باید از روش دیگری، یعنی همان احقاق مشروع و حق فلسطینی‌ها پیروی کرد. حجت‌الاسلام رفسنجانی - رئیس‌جمهوری وقت ایران - در این باره می‌گوید: «مسئله صلح شیوه تازه‌ای برای اسیرتر ساختن و پایمالتر کردن حقوق ملت فلسطین است. صلح واقعی زمانی تحقق می‌پذیرد که ملت فلسطین به حقوق مشروع خود دست یابد (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

وزیر امور خارجه در سخنرانی خود در چهل و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل (۱۳۷۰) اعلام کرد:

آنچه امروز به‌عنوان طرح صلح برای غرب آسیا مطرح است، قبل از اینکه به حل عادلانه مسئله فلسطین منجر گردد در پی تقویت رژیم صهیونیستی است... چگونه کنفرانس صلح خاورمیانه می‌تواند به تأمین حق مسلم تعیین سرنوشت مردم فلسطین بینجامد؟ (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

پ) ایفای نقش فعال در سازمان کنفرانس اسلامی
برگزاری و مشارکت فعال در کنفرانس‌های بین‌المللی برای حمایت از حقوق مردم فلسطین و
انتفاضه؛ برای نمونه، تهران میزبان نمایندگان بیش از شصت کشور جهان برای بررسی راه‌های
حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین در روز ۲۷ مرداد ۱۳۷۰ بود.

ت) حمایت از گروه‌های جهادی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در راستای تقویت انتفاضه و حمایت از گروه‌های جهادی
فلسطین است. تأسیس دفتر این گروه‌ها در ایران مانند دفتر حماس و جهاد اسلامی و تقویت توان
مبارزاتی این گروه‌های جهادی از طریق همفکری، تعلیم و ارشاد و یا هر نوع کمک مادی و
غیرمادی دیگر از جمله سیاست‌های ثابت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از گروه‌های جهادی
فلسطینی در راستای تقویت و حمایت از جریانات انتفاضه است.

ث) برپایی راهپیماییها و تظاهرات

اعلام آخرین جمعه ماه رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی و برپایی
راهپیماییهای سراسری در این روز با هدف حمایت از انتفاضه فلسطین، باعث آگاهی و حساسیت
بیشتر افکار عمومی جهان نسبت به مسئله فلسطین و هم‌چنین باعث دلگرمی بیش‌ازپیش مبارزات
فلسطینی در جریان مقاومت و انتفاضه می‌شود (نادری، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

۵. ۲. گفتمان اصلاحات و تأثیر آن بر حماس

یکی از اصول و اولویتهای مهم در سیاست خارجی ایران از زمان روی کار آمدن رئیس‌جمهور
خاتمی، سیاست تنش‌زدایی است. به اعتقاد خاتمی «سیاست تنش‌زدایی هزینه اداره کشور را به
حد اقل خواهد رساند» (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۸۳). تنش‌زدایی به معنای کاهش اختلافات و منازعات بین
دو یا چند کشور است. عوامل مختلفی چون افزایش هزینه‌های جنگ و خشونت، گسترش قدرت و
تخریب سلاحهای جنگی، وابستگی متقابل اقتصادی، تغییر و تحول در ماهیت و گفتمان قدرت،
تغییر در ساختار قدرت در سطح بین‌المللی موجب می‌شود تا ایران سیاست تنش‌زدایی را در
سیاست خارجی خود آغاز کند. تنش‌زدایی از نوع سیاست امتناعی است که مبتنی بر منطق
همکاری، وابستگی متقابل و فرایندهای سیاسی مانند دیپلماسی، معاهدات، مذاکرات، چانه‌زنی،
مصلحه، همکاری اقتصادی و رقابت در قالب قواعد پذیرفته‌شده است (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰:
۳۱۷). در چهارمین دوره در طول ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، ایران نه تنها تلاش کرد با

سیاست اعتمادسازی بویژه در غرب آسیا به گسترش همکاریهای بین‌المللی خود اقدام کند، بلکه دریافت که در نظام بین‌الملل با فشارها و محدودیت‌های زیادی روبه‌رو است. این امر موجب شد تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سوی دکترین ائتلاف‌سازی و همکاری تمایل پیدا کند و مناسبات خود را با همه دولتهای جهان دستخوش تغییر کند و حتی درصدد مصالحه با غرب برآید تا جایی که برای ایجاد تصویری مقبول از ایران در صحنه بین‌الملل به منظور روابط بهتر با امریکا قدمهایی برداشته شد (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۸۶).

از نظر گفتمان مردم‌سالار، انقلاب اسلامی، انقلابی فراملی است که دارای اهداف و آرمانهایی فراتر از حوزه جغرافیایی ایران در چارچوب ارزشها و مصالح اسلامی است. ایجاد جامعه جهانی اسلامی، وحدت مسلمانان، حمایت از مسلمانان و جنبش‌های آزادیبخش در قالب صدور انقلاب اسلامی از جمله این اهداف فراملی است. آقای خاتمی در این مورد تصریح می‌کند که اهداف انقلاب اسلامی باید برآمده از بینش و منش اسلامی باشد. البته لزومی ندارد تمام اهداف دینی باشد؛ بلکه باید با مبانی و معیارها و ارزشها و اصول دینی سازگار باشد. وی هم‌چنین درباره لزوم و ضرورت حمایت از مسلمانان بیان می‌کند: «یکی از اصول ما این است که هیچ انسانی در هیچ کجای جهان نباید محروم باشد و حقوق هیچ ملتی نباید پایمال شود. این اصل مقدسی است که ما برایش انقلاب کرده‌ایم و به آن پایبند هستیم (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

حمایت از مسلمانان و جنبش‌های آزادیبخش نیز به‌عنوان یکی از ابزارها و سازوکارهای صدور انقلاب اسلامی در چارچوب گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار موجه و منطقی است؛ چون یکی از ویژگیهای مردم‌سالاری دینی و اسلامی، همان‌طور که توضیح داده شد، صلح‌گرایی مثبت است که از طریق برقراری عدالت در نظام بین‌الملل به دست می‌آید؛ اما حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادیبخش به معنای سازماندهی، تسلیح و کمک‌های مادی و فیزیکی به آنها نیست، بلکه منظور پشتیبانی معنوی و سیاسی از آنان در قالب سازمانها، قواعد و هنجارهای بین‌المللی بدون مداخله در امور داخلی کشورها است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). رئیس‌جمهور خاتمی با صراحت به این مفهوم اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما از حقوق غصب شده ملت مظلوم فلسطین حمایت می‌کنیم... ما اعتراضمان را بیان می‌کنیم. البته در کار کشورها دخالت نمی‌کنیم».

سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری در سال ۱۳۸۳ در جمع مردم روزه‌دار تهرانی در حرم مطهر امام خمینی (ره)، رژیم صهیونیستی را مظهر تروریسم دولتی و ستم جهانی دانست و تأکید کرد که:

ملت ایران در روز جهانی قدس با شور و اشتیاق، فریاد عدالتخواهانه و حمایت از مظلوم و محکوم کردن ستم، اشغال و تروریسم دولتی را سر خواهند داد. ملت ایران در روز جهانی قدس همگام با دیگر ملت‌های اسلامی با ملت فلسطین همدلی و نسبت به خیانت‌هایی که توسط این رژیم در سرزمین‌های اشغالی اعمال می‌شود، ابراز انزجار خواهند کرد (تیموری، ۱۳۸۹: ۲۸).

شیخ احمد یاسین در دیدار با کمال خرازی وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «هدف اصلی حماس مبارزه با رژیم اشغالگر قدس بر اساس اصول اسلامی و آزادی سرزمین‌های اشغالی است و ما با خدا عهد و پیمان بسته‌ایم که حتی یک وجب از خاک فلسطین را به دشمن واگذار نکنیم». خرازی نیز در این دیدار مسئله فلسطین و قدس شریف را از اساسی‌ترین محورهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی خواند و گفت: «مسئله فلسطین همواره در قلب ملت ایران جا داشته است» (خرازی، ۱۳۸۸/۲/۱۰: ۱۹).

سید محمد خاتمی در دیدار با «شیخ احمد یاسین» رهبر حماس گفت:

امروز در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که دنیا بیش‌ازپیش با مظلومیت فلسطین آشنا شده است. وی افزود قدرتهای بزرگ، که مدعی دفاع از حقوق بشر هستند، دولتی را که بر پایه غارت، کشتار، بیرون راندن صاحبان از سرزمین خود استقرار یافته و ادامه حیاتش با ترور مخالفین است، حمایت می‌کنند (خاتمی، ۱۳۷۷/۲/۱۳: ۲۳).

سید محمد خاتمی در پیامی عمل جنایتکارانه رژیم صهیونیستی مبنی بر شهادت احمد یاسین را نماد زبونی و در ماندگی این رژیم اشغالگر دانست. در این پیام آمده بود:

شهادت مظلومانه شیخ احمد یاسین به دست جنایتکاران صهیونیست نشانه زبونی دشمنی است که ناتوانی خود را در برابر امواج بیداری فلسطینیان قهرمان با زشت‌ترین و خطرناک‌ترین شکل تروریسم نشان می‌دهد. این جنایت حاکی از دشمنی و دلهره رژیم غاصب صهیونیستی از مقاومت پرشکوه فلسطینیان مجاهد است (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

دومین کنفرانس «حمایت از انتفاضه مردم فلسطین» در اردیبهشت ۱۳۸۰ نیز با حضور نمایندگان بیش از ۳۰ کشور اسلامی و عربی و شخصیت‌ها و سازمان‌های غیردولتی فلسطینی در تهران برگزار شد. محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت در این کنفرانس، عامل شکل‌گیری انتفاضه را ناامیدی مردم فلسطین از نتایج گفت‌وگوهای صلح عنوان کرد.

اصول سیاست خارجی ایران در دوره توسعه‌گرایی سیاست محور به این شرح است:

الف) تنش‌زدایی و کوشش در جهت اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی
 ب) تأکید بر گفت‌وگو و مفاهیم بین‌فرهنگی به منظور حل و فصل مسائل و مشکلات مطرح در سطح سیاست خارجی

ج) تلاش در جهت خنثی‌سازی سیاست‌های ضد ایرانی از طریق شرکت فعالانه در اجلاسها
 د) کوشش برای شناساندن تمدن اسلامی به عنوان تمدنی خواهان صلح، عدالت و گفت‌وگو در روابط بین‌الملل (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۵).

در دوره ریاست جمهوری خاتمی سعی بر این است که صلح و تفاهم بر منطقه و نظام بین‌الملل حاکم شود و ایشان اصل تنش‌زدایی را مطرح می‌کند که مورد توجه نظام بین‌الملل قرار می‌گیرد و در رابطه ایران و فلسطین نیز به نوعی این اصل به نمایش گذاشته می‌شود؛ ولی این بحث مطرح است که آیا خانه تفاهم در زمانی که کشوری مورد تجاوز قرار گرفته است، مقبول مبانی اسلامی است یا نه. امام خمینی (ره) رژیم صهیونیستی را جرثومه فساد و غده سرطانی می‌دانستند که باید از صفحه روزگار محو شود. امام به دنبال سازش و تفاهم نبود؛ چون رژیم صهیونیستی همچون غده‌ای است که در صورت فرصت دادن به پیش‌روی دست می‌زند. این امر را در جنگ علیه لبنان و اعراب و غزه بعینه می‌توان دید؛ ولی مطرح کردن فکر خانه تفاهم و تنش‌زدایی در برابر چنین غده‌ای که غیر از خشونت به مبانی دیگری معتقد نیست، روش صحیحی به نظر نمی‌رسد. در مبانی اسلامی نیز به همین نحو است. وقتی کشوری به جامعه اسلامی حمله می‌کند، اسلام دعوت به دفاع می‌کند نه تفاهم. به نظر می‌رسد عملکرد اصلاحات در دوران خاتمی به علت بحث درباره فلسطین و مطرح کردن تفاهم‌خانه در برابر کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته است نه تنها به سود فلسطین و گروه‌های فلسطینی نیست، بلکه علیه آنهاست.

۳.۵. تأثیر گفتمان اصولگرا بر حماس

از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، که با دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و گفتمان اصولگرایی مصادف است، اصول انقلابی ضد امریکایی و ضد رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی بویژه با حضور امریکا در افغانستان و عراق، پررنگتر شد. سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد «تقویت راهبرد چند جانبه‌گرایی در سطح بین‌الملل و مقابله با یکجانبه‌گرایی در عرصه‌های بین‌الملل» و «گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیر متعهد» است (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۸۷).

مهمترین پیامدها و الگوهای رفتاری ناشی از عدالت‌طلبی و سلطه‌ستیزی در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی که الهام‌بخش دیگر ملتها و سلطه‌ستیزان و عدالت‌خواهان شد عبارت بود از: مبارزه با امریکا به عنوان مظهر استکبار، مبارزه با صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس به مثابه نماد ظلم و تبعیض در نظام بین‌الملل معاصر، حمایت از مردم و آرمان فلسطین به عنوان مصداق بارز عدالتخواهی در روابط بین‌الملل، مخالفت با نظام تک‌قطبی و... (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

در ادامه، به تبیین سیاستهای اتحادی در این دوره پرداخته می‌شود:

الف) حمایت از مقاومت اسلامی (حماس) و دیگر جنبش‌های حامی آزادی فلسطین در دوران اصولگرایی، جبهه‌گیری علیه رژیم صهیونیستی متفاوت از جریان اصلاحات می‌شود و دیگر خبری از خانه تفاهم نیست و مبانی که مطرح است، بحث نابودی و محو رژیم اشغالگر قدس از صفحه روزگار و بحث هولوکاست است.

جمهوری اسلامی ایران از جریان مقاومت جنبش حماس حمایت می‌کند و تلاشها و فعالیتهای ایران و سوریه موجب قدرت گرفتن حماس در سرزمینهای اشغالی و آزادی نوار غزه شده است (علایی، ۱۳۹۰: ۹). احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلفنی با نخست‌وزیر دولت فلسطین، اسماعیل هنیه و با تأکید بر حمایت دولت و ملت ایران از آرمان فلسطین و ضمن اعلام آمادگی کشور ایران برای انتقال تجربیات اداره حکومت و کشورداری به دولت جدید فلسطین اعلام کرد: «ملت ایران همواره در کنار ملت فلسطین بوده و خواهد بود. همه مسلمانان و آزادیخواهان موظف به حمایت و دفاع از مبارزات مردم فلسطین برای آزادسازی سرزمینهای اشغالی هستند» (عبدلی، ۱۳۹۰: ۹۸).

محمود احمدی‌نژاد در گفتگوی تلفنی با اسماعیل هنیه درباره جبهه‌گیری و حمایت انقلاب اسلامی ایران از فلسطین ابراز کرد: «جمهوری اسلامی ایران به‌طور قاطع از ملت فلسطین و کسانی که حامی این ملت هستند، حمایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران همچون گذشته در کنار ملت فلسطین و مردم غزه خواهد ماند» (عبدلی، ۱۳۹۰: ۴۶۶).

احمدی‌نژاد در دیدار با خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس و با اشاره به نقش مهم کشورهای اسلامی در حمایت از دولت مردمی فلسطین به رژیم صهیونیستی اشاره دارد که در بدترین دوران حیات رو به اضمحلال خود است:

رژیم صهیونیستی در بدترین دوران حیات رو به اضمحلال خود قرار دارد. کشورهای اسلامی باید با پشتیبانی از دولت مورد حمایت مردم فلسطین، نقش مهمی در موفقیت این دولت و شکست

توطئه‌های دشمنان اسلام ایفا کنند. زمان تحقق وعده الهی نزدیک است و نصر الهی که نتیجه مقاومت و ایمان ملت مظلوم فلسطین است به‌زودی به منصفه ظهور خواهد رسید و مردم فلسطین با هوشمندی و حمایت از دولت منتخب خود، زمینه آزادی قدس شریف و رهایی از بند رژیم پلید صهیونیستی را فراهم خواهد کرد.

وظیفه دولت فلسطین و جنبش حماس در جلوگیری از درگیریهای داخلی در فلسطین بسیار مهم است و همان‌طور که با هوشیاری جنبش‌های فلسطینی، فتنه و توطئه اخیر دشمنان مردم فلسطین سرانجامی جز ناکامی نداشت از این پس نیز گروه‌های فلسطینی باید با حفظ وحدت، مقاومت و توکل به خداوند و حفظ جوهر حرکت آرمانی ملت فلسطین، زمینه خروج غاصبان صهیونیست از خاک مقدس فلسطین را مهیا کنند تا زمانی که حتی یک وجب از خاک فلسطین در اشغال نباشد (عبدلی، ۱۳۹۰: ۴۰۳).

ب) جنگ غزه و حمایت جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی در حمله رژیم صهیونیستی به غزه در جنگ ۲۲ روزه نیز حمایت بی‌دریغ خود را از جنبش اسلامی فلسطین، حماس، اعلام کرد؛ چون آن را مصداق بارز جنگ ناعادلانه علیه ملت بی‌دفاع غزه می‌دانست. از این رو رئیس‌جمهوری تصریح می‌کند: «ما باید کنار مظلوم باشیم. ما با مناسبات ظالمانه‌ای که بر جهان حاکم است نمی‌توانیم کنار بیاییم... هر جا که نظام ظالمانه‌ای باشد چه در یک محدوده خاص چه در عرصه جهانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ما نمی‌توانیم با آن کنار بیاییم» (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۲۰۷). جنگ ۲۲ روزه غزه، که با مقاومت سرسختانه حماس به پایان رسید، نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تکامل و تثبیت الگوی صدور انقلاب اسلامی در دوره اصولگرایی ایفا کرد. این جنگ نیز تأثیرات مشابهی هم چون جنگ ۳۳ روزه بر الگوی صدور انقلاب داشت؛ زیرا اولاً زمینه مساعد و مناسبی را برای اسرائیل ستیزی و مخالفت عملی با صهیونیسم برای ایران ایجاد کرد. ثانیاً با توجه به جایگاه محوری و کانونی مسئله فلسطین در گفتمان انقلاب اسلامی، این جنگ فرصت دیگری پیش آورد تا جمهوری اسلامی ایران دوباره به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت بی‌دریغ خود را از مردم و آرمان فلسطین به اثبات برساند. ثالثاً، این جنگ از راه تأیید لزوم و ضرورت مقاومت به عنوان تنها راه‌حل مسئله فلسطین باعث تضعیف گفتمان سازش از یک‌سو و تقویت گفتمان مقاومت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی شد. رابعاً، جنگ ۲۲ روزه باعث شد تا جمهوری اسلامی اسلامیت گفتمان انقلاب

اسلامی را، که بعضی از آن تفسیر انقلابی شیعی می‌کنند، اثبات و تثبیت کند؛ چون جمهوری اسلامی همانند جنگ ۳۳ روزه به حمایت همه‌جانبه از حماس پرداخت (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلفنی با اسماعیل هنیه نخست‌وزیر دولت مردمی فلسطین و با تأکید بر ادامه حمایت‌های ملت و دولت ایران از ملت مظلوم فلسطین اعلام کرد که: جهانیان در روز قدس یک بار دیگر شاهد حمایت پرشور و گسترده ملت ایران از آرمان و مقاومت فلسطین و محکوم کردن جنایتکاران و اشغالگران صهیونیست خواهند بود. حامیان رژیم غاصب صهیونیستی با اضمحلال این رژیم از حمایت‌های خود پشیمان خواهند شد. ملتها، سکوت کنندگان در برابر ظلم‌ها و جنایتهای رژیم صهیونیستی در فلسطین و بویژه غزه را محکوم خواهند کرد (عبدلی، ۱۳۹۰: ۳۴۸).

در دوره اصولگرایی، همان‌طور که به‌صورت سند نیز به‌مواردی اشاره شد به این مسئله باید پرداخت که نگاه به رژیم صهیونیستی، نگاه غاصب است؛ به عبارتی در نگاه اصولگرایی، رژیم اشغالگر قدس غده سرطانی و جرثومه فساد است که باید از صفحه روزگار محو شود. در اصولگرایی ما نگاه سازشگرانه با رژیم اشغالگر را مشاهده نمی‌کنیم، در این دوره بحثی مطرح می‌شود تحت عنوان هولوکاست که صهیونیسم را هدف قرار داده است. در این گفتمان بر حمایت همه‌جانبه از فلسطین و آرمان آنها، که آزادی قدس از دست رژیم اشغالگر است، تأکید شده است. در هیچ بیاناتی مشاهده نمی‌شود که سخنی مبنی بر تفاهم و سازش مطرح شده باشد.

نتیجه‌گیری

پس از ضعف دولت عثمانی و در نهایت تجزیه آن به دولتهای مستقل، جوامعی از درون آن شکل گرفت که یکی از آنها دولت فلسطین بود. کشورهایی که از عثمانی به وجود آمدند بیشتر تحت قیمومیت قرار گرفتند. فلسطین هم از جمله این کشورها بود که تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. عزم راسخ انگلستان بر این بود که با مهاجرت یهودیان، زمینه‌های شکل‌گیری رژیم صهیونیستی را فراهم کند و این اتفاق در سال ۱۹۴۸ میلادی رخ داد و با حضور سازمان ملل و قدرتهای بزرگ فلسطین به دو تبار فلسطینی و اسرائیلی تعریف شد. با وقوع چنین حادثه‌ای، گروه‌ها و احزاب مختلف با مبانی و مرامهای مختلف به مبارزه با رژیم اشغالگر روی آوردند؛ ولی

در نهایت راه به جایی نبردند و نتیجه مبارزات چیزی جز شکست در پی نداشت. گروه‌های شکل گرفته در فلسطین اشغالی با مرام سوسیالیستی یا با مرام لیبرالیستی روی به مبارزه آوردند؛ ولی حاصلی در پی نداشت. گروه‌های فلسطینی سرگردان و در پی راهکار مبارزه بودند که انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران اتفاق افتاد؛ انقلابی که پایه‌های آن اسلام بود؛ به عبارتی دین پایه مبارزات مردم ایران برای شکل‌دهی انقلاب اسلامی بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌هایی در فلسطین به تاسی از انقلاب اسلامی شکل گرفت که زیربنای شکل‌دهنده آنها، اسلام و مبانی آن بود و به نوعی آنها راهکار مبارزه در برابر رژیم اشغالگر را به تاسی از انقلاب اسلامی ایران، رویکرد اسلامی می‌دانستند. جنبش‌های فلسطینی با مرام اسلامی به مبارزه با رژیم اشغالگر روی آوردند و به نتایج قابل توجهی نیز دست یافتند. که مهمترین آنها جنگ‌های چند روزه اسرائیل علیه غزه بود که نتیجه‌ای جز خفت و خواری برای اسرائیل در پی نداشت.

هم چنین در مقاله حاضر به نقش گفتمان‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران در فرایند تحولات فلسطین بویژه حماس اشاره شد، و این مهم بیان گردید که در دوره‌های گفتمانی مختلف جمهوری اسلامی ایران، میزان و چگونگی تأثیرگذاری در رابطه با جنبش مقاومت اسلامی، متفاوت بوده است که این مسئله نیز از بحث صدور انقلاب نشأت می‌گیرد؛ به عبارتی تأثیرگذاری گفتمان‌های مختلف در برابر حماس با توجه به سیاست‌های داخلی و خارجی اعمال شده، افت‌وخیزهایی را در برداشته است. در گفتمان دوران دفاع مقدس، صدور انقلاب یک قالب داشت و آن رویکرد انقلابی‌تر بود و نگاهش شکل‌گیری انقلاب‌هایی مشابه انقلاب ایران اسلامی بود؛ ولی در گفتمان سازندگی و اصلاحات، نگاه به صدور انقلاب متفاوت بود و بحث تنش‌زدایی مطرح، و نوعی الگوسازی درونی برای الگو گرفتن جوامع بیرونی مطرح می‌شود. در دوران سازندگی، بحث الگوسازی اقتصادی و در دوران اصلاحات بحث سیاست مطرح می‌شود. در دوره اصولگرایی نیز، نگاه متفاوتی در رابطه با صدور انقلاب شکل گرفت و با توجه به نوع نگاه به صدور انقلاب، نگاه به بحث فلسطین نیز متفاوت می‌شود؛ برای نمونه در دوران اصلاحات، نگاه به بحث فلسطین، بحث خانه تفاهم و تنش‌زدایی بود ولی در دوران اصولگرایی، اسرائیل غده سرطانی و جرثومه فساد است که باید از صحنه روزگار محو شود و بحث هولوکاست مطرح می‌گردد. اینها نشان می‌دهد که وقتی صدور انقلاب مبنایی متفاوت پیدا کند، نگاه به آرمان جنبش‌ها نیز بر اساس آن متفاوت می‌شود.

منابع

قرآن کریم

- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام (۲۱جلدی)*. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۳). *فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)*. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ابو عمرو، زیاد (۱۳۷۳). *جنبش اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه*. ترجمه حسن خامه‌یار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ایاد برغوثی، جوادالحمد (۱۳۸۲). *سیری در اندیشه سیاسی جنبش حماس*. ترجمه سید حسین موسوی. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۶). *یک بررسی تطبیقی؛ سیاست خارجی ایران درباره مسئله فلسطین در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ابوعمر، زیاد (۱۳۷۲). *حماس: پیشینه تاریخی و سیاسی*. ترجمه مرتضی قانون. *فصلنامه دانش سیاسی*. پیش‌شماره ۲: ۵۱ - ۲۸.
- احمدیان، حسن (۱۳۹۰). *اخوان المسلمین مصر و حماس به‌سوی حداقل‌گرایی*. *مجله مطالعات فلسطین*. ش ۱۵: ۳۰ - ۷.
- باباپور، محمدمهدی (۱۳۸۲). *تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*. قم: دفتر تدوین متون درسی.
- بی‌نا (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی ایران*. نگارش توسط جمعی از نویسندگان. قم: دفتر نشر معارف.
- پاشاپور یوالاری، حمید (۱۳۸۱). *امام خمینی و انتفاضه فلسطین*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پورقیومی، ایوب (۱۳۸۸). *درس‌ها و پیامدهای مقاومت مردمی در جنگ ۲۲ روزه غزه*. *فصلنامه مطالعات بسیج*. ش ۴۴.
- تیموری، مسلم (۱۳۸۹). *حمایت از فلسطین دکترین جمهوری اسلامی*. هفته‌نامه پنجره. ش ۵۸.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲). *حرکت‌های اسلامی معاصر*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- خلیلی، محسن؛ حمیدی، سمیه (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی*. *فصلنامه رهیافت‌های علوم سیاسی و بین‌المللی*: ۱۱۸ - ۸۱.
- دکم‌جیان، هریر (۱۳۶۶). *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*. ترجمه حمید احمدی. تهران: انتشارات کیهان.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). *الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم*. *فصلنامه دانش سیاسی*. ش ۱۰: ۱۲۳ - ۱۵۰.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. ش ۱۱: ۵۷ - ۸۲.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۷). تبیین دوره‌های سیاست خارجی ج.ا.ا از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل. فصلنامه راهبرد. ش ۴۷: ۸۳ - ۱۰۰.
- زارعان، احمد (۱۳۹۳). بازخوانی رابطه حماس با محور مقاومت بعد از تحولات حوزه عربی. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. س ۱۵. ش ۱: پیاپی ۷۵: ۸۹ - ۱۱۶.
- سالار، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی. نشریه انقلاب اسلامی. ش: ۱۸ - ۳۱.
- سلیمانی، رضا (۱۳۸۸). سیاست خارجی دولت خاتمی. تهران: نشر کویر.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا ۱۳۶۸. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صادقی‌زاده، کسری (۱۳۸۶). جنبش مقاومت اسلامی (حماس): گذشته، حال و آینده. نشریه رهاورد سیاسی. ش ۱۶: ۴۳ - ۶۶.
- عبدلی، حسین (۱۳۹۰). اسرائیل؛ کانون ناامنی، مواضع ضد صهیونیستی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران دکتر محمود احمدی‌نژاد. تهران: انتشارات مضراب.
- علایی، حسین (۱۳۹۰). بررسی فرایند و مفاد آشتی سازمان‌های فلسطینی. فصلنامه‌های مطالعات خاورمیانه. ش ۴: ۷ - ۳۳.
- غفاری، زاهد؛ صادقیان، هاجر (۱۳۹۱). نقش جنبش‌های اسلامی در تقویت هویت اسلامی در عرصه جهانی شدن با تأکید بر جنبش‌های اسلامی فلسطین. مجله دانش سیاسی و بین‌الملل. س اول. ش ۱: ۴۷ - ۶۴.
- غفاری هاشجین، زاهد (۱۳۹۱). نقش جنبش‌های اسلامی در تقویت هویت اسلامی در عرصه‌های جهانی شدن با تأکید بر جنبش‌های اسلامی فلسطین. فصلنامه دانش سیاسی و بین‌الملل. ش ۱: ۴۷ - ۶۴.
- فریدونی، احمد؛ شهبازی، نسیم (۱۳۹۱). جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاسمی، علی‌پاشا (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی. ش ۱۲: ۴۳ - ۷۲.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۲). انتفاضه؛ حماسه مقاومت فلسطین. تهران: انتشارات اطلاعات.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). جمهوری اسلامی و تحلیل گفتمان‌های سیاست خارجی. نشریه زمانه. ش ۵۳ و ۵۴.
- متقی، ابراهیم؛ پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۰). الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی.
- مهربان، حسین (۱۳۸۶). حماس و مسئله فلسطین (بنیادها و رویکردها). نشریه مریبان. ش ۱۱۴: ۲۶ - ۱۳۱.

نوازنی، بهرام (۱۳۸۸). صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن. تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

نادری، محمد (۱۳۹۲). رویکرد مقایسه‌ای ایران و مصر در قبال گروه‌های جهادی فلسطین (۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲ میلادی). فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ش ۳.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

یعقوبی، سعید (۱۳۸۰). رخدادهای سیاست خارجی ایران (۱۳۷۷). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

یعقوبی، سعید (۱۳۸۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

یعقوبی، سعید (۱۳۸۸). آشنایی با حماس. ماهنامه نسیم قدس. ش ۷.

